



انتخاب مردم سرنگونی حکومت است

ما مردم در انتخابات جمهوری اسلامی حقی نداریم که بخواهیم با شرکتان آنها تثبیت کنیم یا با تحریم از آن چشم پوشیم. انتخاب کردن و انتخاب شدنی اگر هست در اختیار دشمنان ماست. تمام آنچه از ما میخواهند اینست که به سیاهی لشکر دار و دسته های مختلف ارتجاع حاکم تبدیل شویم و صفهای رای گیری شان را طویل تر نماییم. پاسخ ما جمع کردن کل این بساط نفرت انگیز است.. پاسخ ما تعرض به حکومت و پافشاری بر حقوق انسانی خویش یعنی برابری زن و مرد، آزادی بیان و عقیده، رفاه و درمان و مسکن برای تک تک افراد، حرمت و شادی برای همه، و حق بی چون و چرای انتخاب نحوه زندگی خویش است. در این مجالسی که یک پایه دستگاه دزدی و جنایت است حتی اگر حق داشتیم شرکت نمیکردیم. انتخاب ما مردم جامعه ای است که در آن قانون اساسی اسلامی و تمام قوانین مذهبی و ارتجاعی از حکومت بیرون ریخته شود. انتخاب ما در هم پیچیدن مجالس اسلامی و حاکمیت مفتخوران سرمایه دار با تمام دارودسته های آنهاست. فضای نزاعها و چانه زنی جناحها بر سر مجالس اسلامی را به فرصتی برای گسترش مبارزه و طرح خواسته هایمان تبدیل میکنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی
حزب کمونیست کارگری ایران
بهمن ۱۳۹۴، ژانویه ۲۰۱۵

فرار میلیونی از توحش کاپیتالیستی!

مصاحبه با حمد تقوایی در مورد موج اخیر پناهندگان

صفحه ۳

ما هم مثل رفسنجانی سوالاتی داریم

کاظم نیکخواه

صفحه ۲

کارگران در هفته ای که گذشت

دولت روحانی و داستان تعیین میزان حداقل دستمزدها

شهلا دانشفر، صفحات ۶ و ۱۲

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۴۶

جمعه ۱۶ بهمن ۱۳۹۴، ۵ فوریه ۲۰۱۵

یادداشت های هفته

حمید تقوایی

روز جهانی زن روز مقابله با اسلامیسیم است!

سربلایی انتخابات

"شائبه" مهندسی انتخابات و هراس از "شرارت"

صفحه ۸

در مورد پرچم شیروخورشید چه میگویید؟

کاظم نیکخواه

صفحه ۹

جنایات دولت اردوغان علیه مردم کردستان ترکیه

سیاوش آذری

صفحه ۵

حمله به پناهندگان و حق پناهندگی را
متوقف کنید!

هفت روز تجمع کارگران معدن زمستان یورت
و خانواده هایشان، کارفرما و ادارات
دولتی را به تسلیم کشاند

صفحه ۱۰



ما هم مثل رفسنجانی سوالاتی داریم

کاظم نیکخواه

کودکان ما را به حسرت و نداری و کار خیابانی محکوم کنید؟ چه کسی به شما اجازه داد زندگی ما میلیون‌ها مردم ایران را به رنج و فقر و تباهی و عذاب بکشانید؟ همه تان گورتان را گم کنید و بگذارید ما مردم نفس راحتی بکشیم.

جناب رفسنجانی و همه سران حکومت اسلامی! بدانید وقتی که آتش آنقدر شور است که حتی صدای امثال شما در می آید، مطمئن باشید صدای انقلاب ما مردم را بسیار زودتر از آنچه که فکرش را بکنید خواهید شنید. انقلابی که سوالات را جواب خواهد داد، بساط صاحب اختیاران بی دلیل را جارو خواهد کرد، اختیار و حق را به حق دار خواهد داد و ثروت و اسلحه و رسانه ها را از جنایتکاران و قاچاقچیان و مفتخوران خواهد گرفت و به همه مردم جامعه محول خواهد کرد. در این شکی نداشته باشید*

داد ثروت و اسلحه و تلویزیون دست شما باشد؟ چه کسی به شما اجازه داد اختیارات جامعه را در دست بگیرید؟ چه کسی به شما اجازه داد با حکم قوانین و احادیث ارتجاعی اسلامی عزیزان و جگرگوشه های

را بعنوان رهبر به خمینی پیشنهاد دادید داریم. ما ده میلیون کارگر و بیکار و ما میلیون‌ها کارگر و معلم و پرستار و بازنشستگان و مردمی که سالهاست به زندگی زیر خط فقر محکوم شده ایم و شما و آقایان

ما میلیون‌ها مردم ایران، ما خانواده های جانبازان و زندانیان سیاسی و جانبازان جنگ و معلولین جنگی و خانواده های دهها هزار اعدام شدگان و سنگسار شدگان و پناهندگان همین سوالات را از شما

هاشمی رفسنجانی در پی رد صلاحیت حسن خمینی با عصبانیت سوالاتی را از شورای نگهبان کرده است. سوالاتی که بسیار بجاست. ما مردم ایران با هزار بار خشم و عصبانیت بیشتر همین سوالات و سوالاتی بیشتر را از کل حکومتی ها از جمله شخص خمینی و خود هاشمی و خامنه ای و کل مفتخوران و جنایتکارانی داریم که سی و هفت سال است واقعا خون خورده اند و میلیاردی شده اند. هاشمی رفسنجانی از آخوندهای شورای نگهبان می پرسد: "شما صلاحیت خود را از کجا آورده اید؟ چه کسی به شما اجازه داده است قضاوت کنید؟ چه کسی به شما اجازه داد یکجا بنشینید و داوری کنید؟ (چه کسی به شما اجازه داد) اختیارات مجلس و دولت و جاهای دیگر را در دست بگیرید؟ چه کسی اجازه داد که اسلحه برای شما باشد و تربیون برای شما باشد؟ چه کسی اجازه داد صدا و سیما برای شما باشد؟ چه کسی به شما این ها را داد؟"



ما را در همان اوان خلاصی از دیکتاتوری آریامهری و امید به بهار آزادی بیرحمانه اعدام و کشتار کنید؟ چه کسی به شما اجازه داد

هایتان از نان شب بچه های ما میلیاردی و پروار شده اند از شماها سوال داریم. سوال ما هم از شماها اینست که چه کسی به شما اجازه

جناب رفسنجانی که یکی از پایه گزاران اصلی حکومت منحوس اسلامی هستید و یکی از افتخاراتان اینست که خامنه ای



یک کارگر بخاطر حوادث ناشی از کار یک فاجعه است. این کار ما مردم است که جامعه انسانی بپا کنیم.*

سازندگان زندگی بشریت اند که این چنین جان عزیزشان را از دست داده اند. این البته بخش بسیار کوچکی از جنایت علیه مردم ایران است. وقتی جامعه بدست مردم نباشد و تولید نیازمندی های زندگی برای همه مردم نباشد، وقتی هدف از تولید بدست آوردن سود برای سرمایه دارن و غارت زندگی مردم باشد، و خصوصا وقتی دست مذهب و سرمایه در دست هم قرار بگیرد همین است که می بینیم. در یک جامعه انسانی حتی مرگ

یک کارگر بخاطر حوادث ناشی از کار یک فاجعه است. این کار ما مردم است که جامعه انسانی بپا کنیم.* این حادثه نیست قتل زنجیره ای کارگران است سازمان پزشکی قانونی اعلام کرد: در نه ماهه نخست سال جاری یک هزار و ۱۹۸ کارگر در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده اند. تعداد مصدومان حوادث کار در این مدت ۲۰ هزار و ۹۸۱ نفر اعلام شده که ۹۷۹ نفر زن بودند.

فکرش را بکنید. این کشته شدگان نه از سر یاس و ناامیدی خودکشی کردند نه در تصادفات جان باختند. اینها سازندگان زندگی من و شما هستند. کسانی که با کار و تلاش خود چرخ زندگی را براه انداخته اند. کسانی که گرمای خانه ما را در دل سرما تامین کرده اند و نان به سفره ما آورده اند. اینها

این حادثه نیست قتل زنجیره ای کارگران است

کیوان جاوید

ما را در دل سرما تامین کرده اند و نان به سفره ما آورده اند. اینها سازندگان زندگی بشریت اند که این چنین جان عزیزشان را از دست داده اند. این البته بخش بسیار کوچکی از جنایت علیه مردم ایران است. وقتی جامعه بدست مردم نباشد و تولید نیازمندی های زندگی برای همه مردم نباشد، وقتی هدف از تولید بدست آوردن سود برای سرمایه دارن و غارت زندگی مردم باشد، و خصوصا وقتی دست مذهب و سرمایه در دست هم قرار بگیرد همین است که می بینیم. در یک جامعه انسانی حتی مرگ

سازمان پزشکی قانونی اعلام کرد: در نه ماهه نخست سال جاری یک هزار و ۱۹۸ کارگر در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده اند. تعداد مصدومان حوادث کار در این مدت ۲۰ هزار و ۹۸۱ نفر اعلام شده که ۹۷۹ نفر زن بودند.

فکرش را بکنید. این کشته شدگان نه از سر یاس و ناامیدی خودکشی کردند نه در تصادفات جان باختند. اینها سازندگان زندگی من و شما هستند. کسانی که با کار و تلاش خود چرخ زندگی را براه انداخته اند. کسانی که گرمای خانه

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com



همانند انسانهای اولیه، از نقطه ای به نقطه دیگر کوچ میکنند که زنده بمانند. انسانهای اولیه از شرایط سخت و تحمل ناپذیر طبیعی فرار میکردند و انسانهای امروز از شرایط فاجعه بار اجتماعی. مسبب این وضعیت قهر طبیعت نیست، قهر طبقاتی است. جنگ افروزی و هجوم نظامی دول غریبی، همچنانکه به صحنه آمدن و توحش نیروها و دولتهای اسلامی، ناشی از منافع و نیازهای بورژوازی بحرانزده عصر ماست. بورژوازی بحرانزده در غرب، و در منطقه.

حسن صالحی: در میان این انبوه مردم، انگیزه های متفاوتی برای کوچ وجود دارد. عده ای از جنگ

فرار میلیونی از توحش کاپیتالیستی!

مصاحبه با حمید تقوایی در مورد موج اخیر پناهندگان

بیش از پیش نیروها و دولتهای اسلامی انجامید. طالبان و القاعده و داعش و بوکوحرام و النصره و الشباب و غیره حاصل این شرایط اند. بلوکندیهای ارتجاع منطقه - دولت اردوغان و عربستان سعودی و امارات و رژیم اسد و جمهوری اسلامی و همچنین روسیه که مجدداً به میدان رقابتهای منطقه ای با آمریکا باز گشته است - حول و با اتکا به این نیروها صورت

بلامنازع جهان يك قطبی پس از شوری تثبیت کند و برای رسیدن به این هدف میبایست ارتش و عضله نظامی اش را بکار بیندازد. جنگ خلیج در دوره بوش پدر و حمله به افغانستان و عراق در دوره بوش پسر در چهارچوب این استراتژی هژمونی طلبانه بوقوع پیوست. از سوی دیگر نیروهای اسلامی که در آخرین سالهای جنگ سرد و برای مقابله با شوری بوسیله پنتاگون و سیا

حسن صالحی: بعد از جنگ دوم جهانی ما با يك پدیده انسانی بزرگ و بی سابقه روبرو هستیم که با رنج بی حد و حصر و جانباختن انسانهای بی گناه شکل فاجعه آمیزی به خود گرفته است. بسیاری نام این پدیده را "بحران مهاجران" و یا "بحران پناهندگی" نهاده اند. این آوارگی میلیونی مردم و کوچ اجباری ریشه در چه دارد؟ یا توجه به اینکه ما در ادوار مختلف تاریخ شاهد مهاجرتهاى عظیمی بوده ایم، چه چیز ویژه گی مهاجرت میلیونی اخیر را مشخص می کند؟

حمید تقوایی: آنچه "بحران مهاجران" و "بحران پناهندگان" نامیده می شود روی دیگر سکه بحران همه جانبه سرمایه داری عصر ما است. میلیونها نفر برای بقا و برای برخورداری از حداقل شرایط زندگی آواره شده اند؛ نه بخاطر سیل و زلزله و "سوانح طبیعی" بلکه بخاطر جنگ و ویرانی و فقر و "سوانح سیاسی اقتصادی" ای که ریشه در نظام کاپیتالیستی دارد. منظور من کاپیتالیسم علی العموم نیست. فقر و جنگ و ویرانی و در نتیجه پدیده آوارگی و مهاجرت و پناهندگی همیشه جزئی از نظم سرمایه بوده است اما آنچه باعث شده است امروز این مساله ابعاد بیسابقه و تکاندهنده ای بیابد وضعیت مشخص سیاسی اقتصادی دنیا در دوره بعد از جنگ سرد است.

بعد از فروپاشی شوروی دو فاکتور تازه سیاسی - که کاملاً هم به یکدیگر مربوط هستند - در شکل دادن به چهره دنیای پسا جنگ سرد نقش تعیین کننده ای پیدا کرد: سیاست هژمونی طلبانه میلپارستی دولت آمریکا و به صحنه آمدن و افسار گسیختگی نیروهای اسلامی. دولت و بورژوازی آمریکا بعنوان سرکرده کمپ پیروزمند غرب و سرمایه داری بازار آزاد قصد و نیاز داشت که موقعیت خود را بعنوان رهبر

"میلیونها نفر از خاورمیانه و شمال آفریقا و عمدتاً از کشورهای جنگزده و اسلامزده به غرب میگریزند به این دلیل که جامعه و شرایط متعارف زندگی شان در هم کوبیده شده است. مساله صرفاً به فقر و سرکوب و بیحقوقیهای متعارف و متداول در کشورهای باصطلاح جهان سوم محدود نمیشود. مساله بر سر تلاش میلیونها انسان برای بقا و زنده ماندن است.

فرار می کنند، دسته ای دیگر از خفقان و سرکوب، گروهی از فقر و نداری، بخشی به دلیل سرکوب جنسیتی و ... چقدر این تبیینی که شما دادید می تواند همه این موارد را پوشاند؟

حمید تقوایی: همه این موارد جلوه های متفاوتی از بن بست و احتضار سرمایه داری عصر ما است. همانطور که بالاتر اشاره کردم آنچه امروز بحران مهاجرت نامیده میشود از پناهندگی و مهاجرت متعارفی که معمولاً در اثر فقر و سرکوب در جوامع جهان سومی صورت میگیرد فراتر میرود و با آن متفاوت است. اندکی تامل در همین دو فاکتور "فقر و سرکوب" در دوران ما این تفاوت را عیان میکند.

امروزه فقر و فلاکت اقتصادی نه تنها ابعاد بیسابقه ای پیدا کرده است - تا حدی که خود نهادها و "خبرخواهان" بورژوازی از شکاف عظیم و بیسابقه و غیر قابل ادامه میان فقر و ثروت و از خطر شورش گرسنگان صحبت میکنند، بلکه تحت عنوان ریاضت کشی اقتصادی و راه برون رفت از بحران اقتصادی بوسیله همه دولتها در

میگیرد و اوپامانیسم و کمپ غرب نیز با اتکا به این نیروها و دولتها تلاش میکند اهداف و سیاستهای منطقه ای خود را دنبال کند. فاجعه آوارگی و مهاجرت میلیونی که امروز شاهد آن هستیم نتیجه مستقیم این شرایط تازه سیاسی است. این با پدیده کلاسیک پناهندگی - فرار از دیکتاتوریهایی جهان سومی و یا فقر و بی تأمینی در این کشورها و غیره - متفاوت است. این موج عظیم آوارگی اساساً و عمدتاً ناشی از در هم کوبیده شدن و از هم پاشیدن شیرازه جوامع اسلامزده در منگنه جنگ دو قطب تروریستی - هژمونی طلبی دول غرب در برابر اسلام سیاسی - است. میلیونها نفر از خاورمیانه و شمال آفریقا و عمدتاً از کشورهای جنگزده و اسلامزده به غرب میگریزند به این دلیل که جامعه و شرایط متعارف زندگی شان در هم کوبیده شده است. مساله صرفاً به فقر و سرکوب و بیحقوقیهای متعارف و متداول در کشورهای باصطلاح جهان سوم محدود نمیشود. مساله بر سر تلاش میلیونها انسان برای بقا و زنده ماندن است. میلیونها انسان،

ساخته و پرداخته و بجلورانده شده بودند بر متن شرایطی که سیاستهای میلپارستی غرب ایجاد کرده بود فرصت و امکان تازه ای برای ابراز وجود و قدرتنمایی یافتند. اسلامیسم ضد روسی بعد از فروپاشی شوروی به خانه نرفت بلکه بر عکس در دنیای به هم ریخته بعد از شوروی بعنوان يك نیروی مدعی قدرت و حاکمیت در کشورهای اسلامزده با پرچم ضدیت با غرب و آمریکا قد علم کرد. اسلامیسم و جنبش اسلام سیاسی مانند مخلوق فرانکشتین افسار پاره کرد و در مقابل خالق خود قرار گرفت و این موقعیت تازه در عین حال به آمریکا و متحدینش این امکان را داد که دشمن تازه ای برای توجیه سیاستهای میلپارستی خود پیدا کنند. "محور شر" بجای "امپراتوری شر" و بوشیسم بجای ریگانیسم نشست! اما این تقابل تازه - که حزب ما از همان آغاز آنرا جنگ تروریستها نامید - نه تنها به تثبیت هژمونی آمریکا منجر نشد بلکه، بویژه در خاورمیانه که محور و مرکز این تقابل بود - به تضعیف بیش از پیش موقعیت آمریکا و افسار گسیختگی و فعال میاشانی

سراسر دنیا تئوریزه و تجویز و تحمیل میشود. ریاضتکشی در غرب که مردم از حداقلی از شرایط رفاهی تحت فشار جنبش کارگری و چپ در قرن گذشته برخوردار هستند به باز پس گرفتن این دستاوردها ترجمه میشود و در کشورهای جهان سومی به راندن توده کارگران و نود و نه درصد مردم بزیر خط فقر و زندگی، یا مرگ تدریجی، در يك شرایط غیر قابل تحمل. امروزه فقر، چه در غرب و چه در شرق، دیگر نه يك عارضه بلکه جزء ساختاری اقتصاد بورژوازی است که تحت عنوان ریاضتکشی اقتصادی فرموله و تئوریزه شده است.

سرکوب و خفقان هم امروزه ابعاد دیگری یافته است. امروز باید از کشتار و نسل کشی صحبت کرد. کشتار بوسیله بمب افکنهای غرب و شمشیر اسلاميون. کشتاری که از یکسو بعنوان مبارزه با تروریسم و از سوی دیگر مبارزه با استکبار جهانی تئوریزه و توجیه میشود. کشتاری که زندگی در کشورهای جنگزده و اسلامزده را به جهنمی تبدیل کرده و توده مردم را به آوارگی کشانده است.

دو قطب این جنگ تروریستی در يك سطح پایه ای - از نظر اجتماعی و فلسفه سیاسی - به ریشه واحدی میرسند: نفی سکولاریسم و مدنیت و جامعه مدنی، و تئوریهایی پست مدرنیستی ناظر بر جوامع و دولتهای موزائیکی. اسلام سیاسی امروز از لحاظ عقیدتی و نظری از دکترین پست مدرنیسم سود میبرد. پست مدرنیسم با جا دادن به اسلام، و کلا مذهب، در تفکر و فلسفه سیاسی خود اجازه داده است تا نیروهای مدافع و خواهان اجرای احکام و قوانین و حکومتی فوق ارتجاعی اسلامی متکی بر قرآن و راه و رسم بدوی عشایر هزار و



فرار میلیونی از توحش...

از صفحه ۳

چهارصد سال قبل، با ظاهری امروزی و حق بجانب بمیدان بیابند و در برابر جهان متمدن و مدنیست و مدرنیسم قد علم کنند. احکام و قوانین فوق ارتجاعی اسلامی، که داعش و عربستان سعودی و ترکیه و جمهوری اسلامی در ابعاد مختلفی مشغول پیاده کردن آن هستند، پس از هزار و چهار صد سال از کنج حوزه های علمیه و رسالات و توضیح المسائلهای آخوندها به مرکز سیاست و دولت و قوانین جامعه رانده میشوند و از جانب بورژوازی غرب تحت عنوان نسبی گرایی فرهنگی توجیه و تئوریزه میشوند. پست مدرنیسم خود در واقع دکترین بورژوازی در حال سقوط است. بورژوازی که دیگر توان و چشم انداز هر نوع بهبود و پیشروی ای در زندگی مردم جهان را از دست داده است، لذا به دکترین نیازیمنند شده است که اساسا هر نوع پیشروی و بهبودی را منکر شود، آزادی و خوشبختی را نسبی و منطقه ای، ملی، مذهبی، نژادی، فرهنگی تعریف کند و هویت و ارزشهای جهانشمول انسانی را از پایه انکار نماید. اسلام سیاسی و اسلام حکومتی بر خلاف قرون وسطی در سلطه فئودالها و اشراف زمیندار ریشه ندارد بلکه در منافع بورژوازی ریشه دارد که برای حفظ سلطه خودش ناگزیر شده است به فلسفه سیاسی اجتماعی قرون وسطانی عقب نشینی کند. و اینجاست که ارتجاع اسلامی و ارتجاع غربی به هم میرسند.

حسن صالحی: اما دولتهای غربی در برابری این موج مهاجرت می ایستند. موج حمایت انسانی که از سوی مردم اروپا در پاییز گذشته از مهاجرین و پناهندگان بعمل آمد در

این وضع چه می شود کرد؟ چقدر این وضعیت ناخوشایند می تواند به پشت پا زدن به کنوانسیونهای جهانی در زمینه پناهندگی و محدود کردن عملی آنها تبدیل شود؟

حمید تقوایی: بله متأسفانه این یک بعد دیگر فاجعه است. سیاستهای ضد پناهندگی دولتها، راسیسم و بیگانه ستیزی همیشه در غرب و در همه کشورها - مثلاً در ایران علیه مهاجرین افغانستانی - وجود داشته است و امروز در پاسخ به موج جدید پناهندگی در ابعاد

یک امر فوری و مبرم تلاش کرد. البته مساله فوری و مبرم برای توده های مردم آواره و نه انطور که رسانه ها و مقامات دولتی عنوان میکنند برای فرهنگ و اقتصاد و سبک زندگی در غرب! مساله پناهندگی قبل از هر چیز یک مساله انسانی و مربوط به جان و زندگی میلیونها زن و مرد و پیر و جوان آواره است. باید با تمام قوا و امکانات تلاش کرد تا این پناهیویان پذیرفته شوند و از یک زندگی امن و درخشان انسان قرن بیست و یکم برخوردار شوند. جنبه پایه ای تر تلاش برای

"پدیده پناهندگی و مهاجرت در دوره ما - به هر دلیلی صورت گرفته باشد - حاصل و عارضه دنیای به قهقرا کشیده شده سرمایه داری عصر حاضر است. این تلاش و تکاپوی ناگزیرتوده های مردم است برای فرار از قرون وسطی به قرن بیست و یکم. فرار از جنگ و خانه خرابی، از فقر و فلاکت و ریاضتکشی اقتصادی، از قصاص و سنگسار و اعدامهای جمعی، از خشونت و تحقیر و تبعیض فاحش علیه زنان، از سربریدن کفار و مرتدین، و از ممنوعیت موزیک و رقص و شادی و مدرنیسم و مدنیست، و در یک کلام فرار از قرون وسطای سرمایه به هر جایی که بونی از تمدن انسانی برده باشد."

اسلامی در منطقه و در خود اروپا را هدف خود قرار میدهد. راه تحقق این اهداف در هر دو سطح شکل دادن به جنبش اجتماعی وسیع و جهانی در حمایت از پناهندگان است. مردم اروپا با استقبال گسترده شان از پناهندگان نشان داده اند که جنبش دفاع از پناهنده زمینه مساعدی برای بسیج و سازماندهی و گردآوری نیرو دارد. این جنبش میتواند تعرض به سیاستهای ضد پناهندگی و راسیستی را به نقد و اعتراض به سیاستهای "نظم نوینی"، اسلامیسیم و نیروهای اسلامی، اعم از "خوش خیم" و "بدخیم" و متحد و یا مخالف غرب و دفاع از سکولاریسم و حقوق مساوی برای همه شهروندان و دفاع از ارزشهای جهانشمول انسانی بسط بدهد و تعمیق کند. پناهندگی یا بعبارت درست تر آوارگی و کوچ اجباری میلیونی مردم برای بقا، همانطور که گفتیم در بحران همه جانبه بورژوازی عصر ما ریشه دارد و بدون دست بردن به این ریشه قابل حل نیست.

حسن صالحی: با اینحال یک نگرانی واقعی در میان مردم وجود دارد. این نگرانی که با ورود انبوه مهاجر و پناهنده نرم زندگی اروپائیان بدلیل آنچه "تفاوتهای فرهنگی" خوانده می شود می تواند در هم بریزد و اینکه بالاخره اروپا برای پذیرش حدی دارد. در این میان حتی افرادی مثل اسلاوی ژیکو چپ نیز از باز کردن مرزها دفاع نمی کند بر عکس می گوید: "کسانیکه از سیاست مرزهای باز دفاع میکنند ریاکاران بزرگتری

جلوگیری از این فاجعه انسانی بچالش کشیدن آن شرایط سیاسی و اجتماعی ای است که چنین فاجعه ای را موجب شده است. جنبه اول به سیاستهای پناهنده پذیری دولتهای موجود، قوانین حقوقی و مدنی موجود در پناهندگان مربوط میشود و بهبود این عوامل به نفع پناهندگان را تعقیب میکند و جنبه دوم نقد اهداف و سیاستها و نیروهای که موجب این وضعیت شده اند. اعم از دولتهای غربی و منطقه ای و جریان راسیسم و ضد پناهنده و اهداف و سیاستهای جنایتکارانه نیروهای

گسترده تری مطرح و فعال میشود. مردم اروپا همانطور که اشاره کردید با آغوش باز به استقبال پناهندگان رفتند ولی دولتها و نیروهای راست به تبلیغات و سیاستهای ضد پناهنده روی آوردند. در این میان اتفاقاتی نظیر حمله به زنان در شب سال نو در کلن به بهانه ای برای توجیه پناهنده ستیزی تبدیل شد. در برابر این وضعیت و در پاسخ به سؤال چه میشود کرد در دو سطح باید به مقابله با این شرایط برخاست.

در سطح مشخص باید برای حل مساله موج پناهندگان بعنوان

حال حاضر بویژه با اقدامات سختگیرانه دولتها به فضایی علیه مهاجرین و پناهندگان تبدیل شده است. در آمریکا صحبت از راه ندادن مسلمانان و اخراج میلیونها مهاجر مکزیک در میان است و در اروپا دولتها از طرح و نقشه اخراج دهها هزار نفری از پناهندگان حرف می زنند. کنترل مرزی شدت یافته است. نیروهای راسیست رشد پیدا کرده اند. نیروهای راست و راسیست در جامعه پشت نگرانی مردم از آینده این تحولات پنهان می شوند و به تعرضی گسترده علیه پناهیویان دست زده اند. در مقابل

بدون پست مدرنیسم یعنی بدون انکار ارزشهای جهانشمول انسانی، بدون نفی مدنیست و جوامع مدنی مبتنی بر حقوق مساوی همه شهروندان (مستقل از مذهب و قومیت و نژاد و جنسیت و ملیت آنها)، و بدون دست کشیدن از سکولاریسم و جدائی مذهب از دولت و قوانین و نظام آموزشی و حقوقی جوامع، اسلامیسیم نمیتوانست نقش و موقعیت امروز را پیدا کند. پدیده پناهندگی و مهاجرت در دوره

جنايات دولت اردوغان عليه مردم كردستان تركيه

سياوش آذرى

برای اردوغان نتیجه انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵ با اینکه اکثریت را هم در انتخابات بدست آورد، يك شكست محسوب میشود. چون به حزب او امکان حكومت يك جانبه و تغيير قانون اساسی را نداد. به همین دلیل در پی شكست انتخاباتی ۷ ژوئن كه منجر به دست دادن اکثریت مورد نیاز برای تشكيل دولت توسط حزب عدالت و توسعه گشت، مذاكرات معروف به "روند آشتی" میان حكومت اردوغان و پ ك ك به گل نشست. اردوغان كه رویای احیای خلافت عثمانی در شخص خود را در سر می پروراند، "حزب دموكراتيك خلقها" را كه يك حزب تازه تاسیس كردی محسوب میشود مقصر شكست خویش میدانند. وی برای جذب آرای ناسیونالیسم ترك كه سنتا به "حزب حرکت ملی" معروف به گرگهای خاكستری رای میدهند و همچنین برای جذب آرای بیشتر، تبلیغات ناسیونالیستی را شدت داد و بیش از هر زمانی بر طبل ناسیونالیسم ترك كوبيد و به احساسات شنیستی و فاشیستی در میان مردم ترك زبان تركیه دامن زد. اردوغان بعد از شكست ۷ ژوئن عملا تمامی قوانین و عرف "دمكراتيك" تركیه را زیر پا گذاشت و مانع تشكيل دولت ائتلافی شد. تشكيل دولتی ائتلافی حتی با حضور حزب عدالت و توسعه به معنی پایان رویاهای اردوغان برای تغییر قانون اساسی و الغای سیستم پارلمانی و جایگزینی آن با سیستم "ریاست جمهوری ترك" مورد نظر او بود. به علاوه، چنین دولت و پارلمانی مسلمان پرونده های فساد مالی وزرا فرزندان و خود شخص اردوغان را مجدداً مورد بررسی قرار میداد و به احتمال بسیار زیاد موجب كیفخواست علیه او و محاكمه وی در دیوان عالی کشور میشد. در كنار این امپراطوری مالی-تجاری عظیمی كه اردوغان در سایه حكومت ۱۳ ساله خود و با سوء استفاده از قدرت دولتی برای

خود و نزدیکان و همپلگانش فراهم کرده بود فرو میریخت. همچنین خطر اعلام كیفخواست در دادگاههای بین المللی بر علیه اردوغان و محاكمه وی به خاطر ارتكاب به جنايات جنگی و تجهیز نیروهای تروریستی اسلام سیاسی نظیر داعش و جبهه نصر او را تهدید میکرد. در دل چنین شرایطی

تخریب میکنند و مردم بیگناه كردستان را به خاك و خون میکشند. در طی هفت ماه گذشته صدها تن غیر نظامی كه كودكان و خردسالان از جمله كودکی ۶۷ روزه هم در میان آنها وجود دارند در اثر گلوله باران نیروهای ارتش و پلیس و شلیك خمپاره و توپ و تانك جان خود را از دست داده اند. بیش از

عليه مردم كردستان در چهارچوب گسترده تری قابل بررسی است. سیاستهای سرکوبگرانه دولت حزب اسلام سیاسی عدالت و توسعه امتداد و متمم سیاستهای این جریان اسلام سیاسی در منطقه به ویژه سوریه است. دولت اردوغان در كنار عربستان، قطر و غرب یکی از طرفین درگیر در جنگ سوریه و



© Bulent Kilic/AFP/Getty Images

و برای خروج از این تنگناهای سیاسی بود كه اردوغان میز مذاكرات آشتی را واژگون كرد و كلید جنگی ضد انسانی و تروریستی را بر علیه مردم كردستان تركیه زد كه با شدت و حدت ادامه دارد و هرروز قربانیان بیشتری از مردم كردستان و دیگر بخشهای تركیه میگیرد. نیروهای ارتش تركیه بیش از هفت ماه است كه به صورت مستمر به حملات و عملیات خود در شهرهای مختلف كردستان تركیه ادامه میدهند. كماندوها كلاه آبی، یگانهای ویژه پلیس، حتی كماندوهای نیروی دریایی، هوانیروز و نیروی زمینی ارتش كه به تانك و توپ و دیگر سلاحهای سنگین مجهزند در بسیاری از مناطق شهری كردستان تركیه با ادعای جنگ علیه نیروهای مسلح پ ك ك به اماكن مسكونی حمله کرده زیر ساختهای شهرهای كردنشین را

دویست هزار تن از ساکنین این مناطق مجبور به ترك محل اقامت خویش گشته و به نقاط دیگر کشور پناه برده اند. در بسیاری از شهرها و شهرستانها برای چندین روز پی در پی حكومت نظامی و منع عبور و مرور اعلام شده است. در منطقه سور واقع در مركز شهر دیاربكر از روز ۱۱ دسامبر ۲۰۱۵ و در شهر جزیره از ۲۱ دسامبر ۲۰۱۵ تا كنون حكومت نظامی و مقررات منع عبور و مرور بر قرار است. در بسیاری از شهرها دولت برای اعمال فشار بر مردم و مجبور كردن آنها به ترك شهر برك و آب ساکنین شهرها را قطع کرده است. برای نمونه مردم شهرستان سیلوان واقع در استان دیاربكر تمامی هفته گذشته را بدون برق سپری کرده اند.

دولت تركیه و اسلام سیاسی

جنگ حكومت اسلامی اردوغان

یکی از نیروهای باند سیاهی است كه انقلاب سوریه را به خاك و خون كشیده اند. در مقابل این قطب، روسیه، جمهوری اسلامی، رژیم اسد و حزب الله لبنان دیگر ائتلاف سیاه و ضد انسانی درگیر در جنگ داخلی سوریه را تشكيل میدهند. جدا از مبارزه قهرمانانه زنان و مردان كردستان سوریه كه نیروهای متحوش داعش را به شكست كشاندند، پ ك ك عملا در این رویارویی منطقه ای در صف روسیه -جمهوری اسلامی به سر میبرد (چنانكه در تقابل با این، نیروهای پارتی بارزانی در صف تركیه و غرب قرار دارند). تشكيل منطقه خود مدیریتی در كردستان سوریه موجب شكست بلند پروازیهای منطقه ای حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان شده است. حملات گسترده علیه مردم كردستان تركیه بازتاب سیاست اردوغان در قبال كردستان سوریه است و تلاش در

تضعیف "پ ك ك و از این طریق نیروهای كردی در سوریه نظیر" پ ی د و "ی پ گ" را دارد. تجهیز تسلیحاتی نیروهای متوحش اسلامی در سوریه بر علیه مردم كردستان جلوه دیگری از این سیاست است.

به علاوه استمرار فضای جنگی در تركیه موجب عروج جریانات شونیستی و فاشیستی ترك در تركیه میگردد و به اعمال فشار بیشتری بر نیروهای آزادیخواه و چپ منجر میشود. اردوغان با دست یازی به پروپوگاند جنگی و با كوبيدن بر طبل ناسیونالیسم و اسلام و ارتجاع تلاش میکند تا پایه های حكومت فاشیستی خود را مستحکم كند و به حاكم بلا منازع تركیه مبدل گردد. در كنار این سیاستها سانسور روزنامه ها و جراید، دستگیری روزنامه نگاران منتقد، مصادره اموال و داراییهای شركتهای متعلق به سرمایه های منتقد دولت، و حمله به روشنفكران و نیروهای چپ اجزاء دیگر سیاستهای زورگویانه حكومت اردوغان علیه مردم را تشكيل میدهند. برای نمونه در تاریخ ۶ ژانویه ۲۰۱۶، ۱۱۲۸ تن از پژوهشگران و دانش پژوهان تركیه با امضای يك طومار خواهان توقف حملات نظامی بر علیه مردم كردستان و آغاز مجدد روند آشتی شدند. به دستور اردوغان مراجع قضایی تركیه و همچنین شورای فرهنگ عالی تركیه در این مورد و بر خلاف مندرجات قانون اساسی و قوانین مدنی تركیه تحقیقات در مورد امضا كنندگان این طومار و پیگرد قضایی آنان را آغاز کرده اند. تا كنون بیش از چهل تن از این امضا كنندگان این طومار بازداشت شده اند، ده ها تن از سمت خود برکنار شده اند و این پژوهشگران مورد حمله روزنامه ها و رسانه های طرفدار دولت قرار گرفته اند.

جبهه سكولار و انسانی

در این میان اما فضای مبارزاتی



کارگران در هفته ای که گذشت

از نکات برجسته رویدادها در جنبش اعتراضی کارگری در هفته گذشته نامه جالب توجه رئیس حراست صنایع نفت به مقامات مسئول برای پرداخت فوری مطالبات کارگران، هفت روز تجمع پی کارگران معدن زمستان یورت به همراه خانواده هایشان در آزاد شهر، نامه مشترک سندیکاهای فرانسه به رئیس جمهور و وزیر امور خارجه این کشور همزمان با سفر روحانی به پاریس و خواست آزادی همه کارگران زندانی و تجمع اعتراضی کارگران معدن مس خاتون آباد برای آزادی ۲۸ کارگر بازداشت شده این معدن و پیگیری خواستهایشان به همراهی خانواده های کارگران بازداشتی است. نگاهی می اندازیم به این رویدادها

۱- نامه جالب توجه رئیس حراست صنایع نفت

رئیس حراست نوشته است طلبهای کارگران را فوراً بپردازید! اگر کسی بخواهد بداند که جنبش کارگری در چه موقعیتی قرار دارد کافی است که به نامه سرپرست حراست پالایشگاههای جنوب به مقامات مسئول تحت عنوان "پرداخت مطالبات کارگری با توجه به ایام پایانی سال" نگاهی بیندازد. این نامه از یکسو وزن سنگین اعتراضات کارگری، بخصوص صنایع وابسته به نفت را که در ماههای اخیر ابعاد گسترده ای بخود گرفته است را نشان میدهد و از سوی دیگر بیانگر هراس حکومت اسلامی از فضای پرنجب و جوش اعتراضی در محیط های کارگری و اساساً در کل جامعه و از دست دادن کنترل اوضاع در آستانه برگزاری مضحکه انتخاباتشان است. اینان بخشنامه دادند، تهدید کردند، دستگیر کردند، جلسات "بحران" تشکیل دادند و... زورشان نرسید و اکنون حراست صنعت نفت با استیصال تمام نامه میدهد و مینویسد: "به استحضار میرساند، با عنایت به نزدیک شدن به ایام پایانی سال و تاکیدات مقام عالی وزارت و مراجع ذیصلاح مبنی بر پرداخت به موقع مطالبات و حقوق کارگری دستور فرمایید، به منظور پیشگیری از هر گونه تبعات و تحصنات احتمالی و پیامدهای منفی مترتب بر آن (دقت کنید!)، پرداخت ها اعم از حقوق، عیدی و سنوات وفق پیمان های جاری و حداکثر تا تاریخ ۵ اسفند ۹۴ در

پی کارگران معدن زمستان پورت در آزاد شهر به همراه خانواده صورت پذیرد." وحشتان آشکار است. این نامه ثبت یک پیروزی مهم برای کارگران نفت و هزاران کارگران در پتروشیمی ها و در عسلویه و در بخش های مختلف وابسته به نفت است که در ماههای اخیر با اعتراضات همزمان و گسترده شان، اخطار خود را به دولت و مقامات مسئول دادند. این نامه تاکیدی دیگر بر اینست که خصوصاً امروز در بحبوحه جنگ و جدال باندهای مختلف حکومتی بر سر کرسی های قدرت و تلاششان برای برپایی مضحکه انتخابات بخاطر اینکه به دنیا بگویند، ایران "امن" است و بیابید سرمایه داری کنید، جمهوری اسلامی چگونه در مانده است و نیز تاکیدی دیگر بر گسترش اعتراض در این دوره و جلو آمدن با خواستهای روشن و سراسری است. متن کامل نامه صنایع نفت را در زیر میخوانید:

از: سرپرست حراست

به مدیر محترم عملیات، مدیران محترم پالایشگاهها، مدیر محترم منابع انسانی، مدیر محترم بازرگانی

موضوع: پرداخت مطالبات کارگری با توجه به ایام پایانی سال با سلام و احترام،

به استحضار میرساند، با عنایت به نزدیک شدن به ایام پایانی سال و تاکیدات مقام عالی وزارت و مراجع ذیصلاح مبنی بر پرداخت به موقع مطالبات و حقوق کارگری دستور فرمایید، به منظور پیشگیری از هر گونه تبعات و تحصنات احتمالی و پیامدهای منفی مترتب بر آن، پرداخت ها اعم از حقوق، عیدی و سنوات وفق پیمان های

جاری و حداکثر تا تاریخ ۵ اسفند ۹۴ صورت پذیرد.

یادآور میگردد با توجه به انتخابات پیش رو مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی، حساست و اهمیت موضوع مورد مذاقه قرار گرفته تا از هر گونه سوء استفاده های تبلیغاتی به ویژه در زمینه های اعتراضات کارگری ممانعت به عمل آید.

احمد سملی، مسئول حراست

۲- تجمع اعتراضی کارگران معدن زمستان یورت به همراه خانواده هایشان

حضور خانواده های کارگران در اعتراضات کارگری هر روز چشمگیر تر میشود. شش روز متوالی تجمع کارگران معدن زمستان یورت در آزاد شهر به همراه خانواده هایشان در این هفته یک اتفاق قابل توجه و یک پیشروی مهم برای جنبش کارگری است. ما همیشه تاکید کرده ایم که حضور

خانواده ها قدرت مبارزات کارگری را افزایش میدهد، ابعاد این اعتراضات را اجتماعی تر میکند و جایگاه سیاسی تری به مبارزات کارگری میدهد. شرکت خانواده در اعتراضات کارگران زمستان یورت موضوع و خواست این کارگران را به موضوع بحث شهر تبدیل کرده است. با اتکاء به چنین نیرویی از مبارزه است که ۱۱ نفر از کارگران برای پیگیری خواستهای کارگران این معدن به شاهرود رفتند و روز ۱۳ بهمن بدنبال ۷ روز تجمع اعتراضی کارگران معدن زمستان یورت با همراهی خانواده هایشان، کارفرما ناگزیر به پرداخت یک ماه از دستمزد معوقه آنها شد. این کارگران دستمزد دو ماه بهمن و اسفند سال ۹۳ و ۹ ماه سال جاری را طلب دارند. کارگران خواستار همه طلبهایشان هستند. حمایت از این حرکت اعتراضی کارگری امر هر کارگر و هر انسان شریفی است.

۳- اعتراض جهانی به

زندانی کردن کارگران و معلمان در ایران همزمان با سفر روحانی

یک نوع قابل توجه از همبستگی جهانی کارگری نامه مشترک دبیرکل سندیکاهای CFDT، CFE-CGC، FSU، CGT، CFCTC، اتحادیه سندیکاهای همبستگی و UNSA به فرانسوا اولاند رئیس جمهور و لوران فابیوس وزیر، همزمان با سفر روحانی با خواست آزادی کارگران و معلمان زندانی در ایران است. در این نامه به موارد متعددی هم چون شاهرخ زمانی که در زندان جان باخت، و نیز به بازداشت تعداد زیادی از معلمان اشاره شده است. در بخشی از این نامه آمده است: "رژیم ایران به صورت گسترده ناقض حقوق بشر و سندیکاها در ایران است. یک اقدام ساده برای دفاع از حق سندیکایی منجر به مجازات چند سال زندان می شود. یک فعال سندیکایی اخیراً در



کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۷

بازداشت بدلیل بدرفتاری درگذشت و چند فعال دیگر حقوق کارگری، در معرض خطر مرگ هستند. به بهانه دیپلوماسی اقتصادی، فرانسه نمی‌تواند موارد نقض حقوق بشر در ایران را نادیده بگیرد. رژیم ایران یکی از آزادی کش ترین رژیمها در کره زمین است.

در بخش دیگری از این نامه چنین آمده است:

”شاهرخ زمانی، کارگر ساختمان و فعال حقوق مدنی و سندیکایی، به دلایل ناشی از شرایط بسیار نامساعد بازداشت، در زندان جان سپرده است. مسئولیت دولت ایران با توجه به وخامت وضعیت جسمانی نامبرده و رفتار خشنوبار زندانبانان که او شخصاً در نامه‌یی بر آن تأکید کرده بوده، غیرقابل انکار است.

سندیکاهای فرانسه در ادامه نامه خود با اشاره به وضعیت شمار دیگری از فعالان کارگری و معلمان که هم‌اکنون در زندانهای رژیم اسلامی در وضعیت خطرناک جسمی قرار دارند، خواستار پیگیری وضعیت این زندانیان و آزادی آنها و متوقف کردن پیگیری کارگران و فعالان کارگری در ایران شده اند.

۴-اعتراضات کارگران خاتون آباد همراه با خانواده هایشان

طی هفته گذشته کارگران مس خاتون آباد در ادامه مبارزاتشان و برای آزادی ۲۸ همکاربازداشت شده خود تجمعات متعددی بر پا کردند. در این اعتراضات خانواده های کارگری نیز شرکت داشتند. از جمله این کارگران روز ۱۰ بهمن به همراه خانواده بازداشت شدگان تجمع داشته و خواستار آزادی کارگران دربند شدند.

قضیه از این قرار است که روز ۶ بهمن کارگران معدن مس خاتون آباد بخاطر نداشتن امنیت شغلی و اخراج از کار در محل معدن تجمع

در اعتصاب به سر می‌برند. - روز ۱۱ بهمن جمعی از کارگران نی بر و صنعتی نیشکر هفتتپه در اعتراض به عدم دریافت مطالبات خود، در محوطه کارخانه مقابل ساختمان امور اداری مجتمع تجمع کرده‌اند.

- صبح روز ۱۰ بهمن کارگران و قریبانان شرکت جنگل شفاورد به دلیل عدم دریافت دستمزدهایشان در مقابل درب ورودی شرکت تجمع کردند.

- روز ۱۱ بهمن جمعی از کارگران و پرسنل معدن کرومیت فاریاب در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق و مطالبات خود دست به اعتصاب زدند. زیر فشار این اعتراضات قول پرداخت ۴ ماه دستمزد به کارگران داده شده است.

- روز ۱۱ بهمن حدود جمعی از کارگران شهرداری صیدون به علت عدم پرداخت حقوق و دستمزد خود، مقابل فرمانداری باغملک تجمع کردند. این کارگران ۷ ماه حقوق خود را طلب دارند.

- صبح روز دهم بهمن ماه، کارگران شرکت جنگل شفاورد در اعتراض به تعویق ۲ تا ۴ ماه دستمزدشان در مقابل درب ورودی شرکت تجمع کردند.

- صبح روز ۱۰ بهمن چند صد نفر از کارگران پیمانکاری فازهای ۲۰ و ۲۱ عسلویه در اعتراض به ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده خوددست از کار کشیدند و در محوطه کارگاه تجمع کردند. خبر ها از تجمعات گسترده تر در عسلویه بر سر موضوع تعویق پرداختها حکایت دارد.

- روز ۱۰ بهمن کارکنان اداره کل نوسازی مدارس استان همدان به دلیل عدم افزایش حقوق و مزایایشان در مقابل ساختمان این اداره تجمع کردند و خواستار اجرای قانون رتبه بندی معلمان برای کارکنان این مجموعه شدند.

- روز ۱۰ بهمن گروهی از پرستاران بیمارستان کوثر ایلام برای دومین بار در اعتراض به پرداخت نشدن حق کارانه به مدت ۶ ماه در محل

جنایات دولت اردوغان...

از صفحه ۵

صادرات موقعیت حکومت اردوغان را شکننده تر کرده است. شدت تعرض اردوغان به نیرو های مخالف و منتقد در حقیقت گویای واهمه او و حکومتش از اعتراضات گسترده مردمی نظیر سال ۲۰۱۳ بر علیه حکومت اوست. تمامی تناقضاتی که منجر به این اعتراضات شده بود در جای خو و به قوت خود باقی است. مردم ترکیه از وان، شیرناک و دیار بکر تا آنکارا، استانبول و ازمیر خواهان جامعه ای مدرن، مرفه، آزاد، برابر و سکولار هستند و به مقاومت و اعتراض و مبارزه علیه اردوغان و نیروهای اسلام سیاسی بی وقفه ادامه خواهند داد. رویاهای اردوغان در تناقض پایه ای با شرایط عینی جامعه ترکیه قرار دارد و از این رو تحقق پذیر نیستند. اما شکست اردوغان و نیروهای اسلام سیاسی در ترکیه و جایگزینی آن با جامعه ای انسانی منوط به عروج چپ رادیکال، آزادیخواه، برابری طلب و نیروهای کمونیسم کارگری است.*

یونان: قدرت کارگری در برابر ریاضت سرمایه داران

کیوان جاوید

قدرت متشکل و متحد مردم و خصوصاً به عظمت اتحاد و مبارزه سازمان یافته کارگران متکی شویم. این یک جنگ جهانی بین سرمایه داران از یک سو و کارگران و همه مردم در سوی دیگر است که از یونان تا ایران و تا همه جای جهان در جریان است.*

یونان بر اثر اعتصاب گسترده به نشانه مخالفت با سیاست ریاضت اقتصادی دولت و بخصوص طرح اصلاحات در ساختار بیمه های تامین اجتماعی بار دیگر فلج و تمام ادارات دولتی و بخش های خصوصی در این کشور تعطیل شدند.

اگر تغییر می خواهیم باید به

این بیمارستان تجمع کرده خواهان گرفتن مطالبات خود شدند.

- صبح روز جمعه ۹ بهمن کارگران شرکت ستاره تاراز فاز ۲۰ و ۲۱ بخاطر انتقال خوابگاهشان از کمپ نخل تقی به سمت بیدخون و وضعیت بشدت نابسامان این

خوابگاه دست به اعتصاب زدند. این انتقال در تاریخ ۸ بهمن ماه بعد از پایان کار روزانه انجام گرفته است. کارگران با گرفتن قول بهبود وضع کمپ موقتاً به سر کارشان رفتند.

یادداشتهای هفته

حمید تقوایی

روز جهانی زن

روز مقابله با اسلامیسیم است!

امسال روز جهانی زن روز مقابله با اسلامیسیم است. زنان در بسیاری از کشورها از بسیاری از حقوق خود محرومند اما در کشورهای اسلامزده مانند ایران تبعیض و آپارتاید جنسی و تحمیل بیحقوقی مفرط تا حد توهین و تحقیر نسبت به زن امری رسمی و قانونی و علنی است. تبعیضاتی صد ها درجه بدتر از آنچه عملاً در کشورهای غربی وجود دارد، بطور رسمی و قانونی علیه زنان در جوامع اسلامزده اعمال میشود.

امروز توحش داعش علیه زنان عمق زن ستیزی نیروهای اسلامی را به همگان نشان داده است اما مساله به داعش محدود نمیشود. رژیم جمهوری اسلامی و عربستان سعودی نیز بر مبنای همان ایدئولوژی و اعتقادات مذهبی نوع داعش به زنان برخورد میکنند. هر جا و در هر جامعه ای اسلام سیاسی نفودی به هم زده است قبل از هر چیز حقوق انسانی زنان را در پیشگاه احکام الهی و مقدسات اسلامی سر بریده است. این زن ستیزی اسلامی حتی در کشورهای اروپائی قابل مشاهده است. قتلهای ناموسی، برقع و حجاب، آپارتاید

جنسیتی در مدارس و ورزشگاهها و مجامع "ویژه مسلمانان" در چوامع غربی، و حوادثی نظیر آنچه در شب سال نو در کلن و در چند شهر دیگر اروپائی اتفاق افتاد نشاندهنده ضرورت و مبرمیت مقابله جهانی نیروها و فعالین جنبش زنان علیه اسلامیسیم در همه جای دنیا است. با این همه چپ اروپا و فمینیسم کلاسیک از صحنه غایب است. نظرانی مانند نسبیت فرهنگی و تحمل فرهنگ دیگران فمینیسم و چپ سنتی غرب را به سکوت در مقابل جنایات اسلامزده ای نظیر ایران بلکه در خود اروپا واداشته است. باید این سکوت را شکست و این وضعیت را دگرگون کرد.

جهان به يك جنبش نوین رهائی زن نیازمند است. جنبشی که با پرچم مبارزه با اسلامیسیم و نیروها و دولتهای اسلامی در ایران و در منطقه و در سراسر دنیا در صف مقدم مبارزه برای رهائی زن در قرن بیست و یکم قرار بگیرد. تلاش کنیم که هشت مارس امسال روز تولد چنین جنبشی باشد!

"شائبه" مهندسی انتخابات و هراس از "شرارت"

"ما گاهی وقت ها خوب کار می کنیم و گاهی هم یک جواری عمل می کنیم که بی خودی در ذهن برخی مردم شائبه درست می کنیم و نباید در ذهن هیچ فردی شائبه مهندسی شدن انتخابات به وجود آید و در این راستا همه باید تلاش و کار و فعالیت کنیم."

روحانی

مشکل جمهوری اسلامی تنها صندوقسازی و مهندسی انتخابات نیست. "شائبه های" دیگری هم ذهن مردم ایران را بخود مشغول کرده است: اعدامهای بی حد و حصر و رکورد شکن، دزدی های میلیاردی آیت الله ها و آقاها هایشان، آپارتاید جنسی و ممنوعیت زنان از فعالیتهای هنری و ورزشی و حتی سفر و ازدواج بنا به میل و ارده خود، و بالاخره دستمزدهای یک پنجم خط فقر و بیکاری و گرانی و فلاکتی که در جامعه پدید میکند. به انتخابات برای کشیدن روپوش دموکراسی بر این بساط فقر و بیحقوقی نیاز دارند. به انتخاباتی مهندسی شده، انتخاباتی که هیچ ربطی به انتخاب و رای مردم ندارد بلکه صرفاً معرکه ای است برای تجدید تقسیم

سربالایی انتخابات

مجمع تشخیص مصلحت نظام، بیت رهبری، مجلس خبرگان، مجلس اسلامی و غیره و غیره! مساله مردم صرفاً اعضای این مجالس و مجامع نیست بلکه سلطه چنین نهادهای قرون وسطائی بر یک جامعه قرن بیست و یکمی است.

حتی اسم انتخابات از سر چنین سیستم حکومتی ای زیاد است. چندی پیش روحانی پس از تصفیه وسیع کاندیداهای هم جناحی اش بوسیله شورای نگهبان گفت اگر قرار باشد تنها کاندیداهای يك جناح به مجلس بروند انتخاباتی لازم نیست! از نظر مردم اگر همه جناحها هم به مجلس بروند انتخاباتی لازم نیست! هر چند سال آمده اند و رفته اند و پستهای دولتی و کرسیهای مجلس را بین خود تجدید تقسیم کرده اند و بجز فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری و بیحقوقی و اعدام و بازداشت و بگیر و ببند شمره ای نداشته اند.

انتخابات از نظر جناحهای حکومتی هر اهمیتی داشته باشد از نظر توده مردمی که جانشان را این وضعیت به لب رسیده فراخوانی است به تعرض بیشتر به حکومت و بجالش کشیدن همه مقامات و جناحهای جمهوری اسلامی. از نظر مردم نه رئیس جمهور و ولی فقیه اعتبار و حقانیتی دارند و نه شورای نگهبان و شورای تشخیص مصلحت و مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان! انتخاب مردم روشن است: جمهوری اسلامی باید برود!

"معنا ندارد که اجرا در همه جا به عهده رئیس جمهور باشد."

لاریجانی رئیس قوه قضائیه

"چه کسی به شورای نگهبان اجازه قضاوت داده؟"

رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

"رفسنجانی با فرجام تلخ آیت الله منتظری مواجه خواهد شد."

نماینده دفتر امام در بسیج

این معنی گرم شدن بازار انتخاباتی در جمهوری اسلامی است! در هر کشوری که بوئی از آزادی برده باشد انتخابات ها موسم بحث میان احزاب و کاندیداهای مختلف بر سر مسائل سیاسی و اجتماعی است و در ایران موسم تهدید و خط و نشان کشیدن غارتگران جامعه علیه یکدیگر! میگیرند گاری که به سربالائی بیفتد اسبها یکدیگر را گاز میگیرند. کشمکش میان جناحهای حکومتی امر تازه ای نیست - مدتهاست مردم جمهوری اسلامی را به سربالائی انداخته اند- انتخابات تنها این دعوای درونی را حاد تر و شدیدتر میکند. باندهای حکومتی یقه یکدیگر را میگیرند و اعتبار و اتوریته یکدیگر را بزیر سؤال میبرند. اما تنها نگاهی به این نهادهای حکومتی که بر سر انتخابات بجان یکدیگر افتاده اند ماهیت و ساختار متحجر و قرون وسطائی کل این نظام را برملا میکند: دفتر امام شورای نگهبان،



از ما میپرسند؟

در مورد پرچم شیروخورشید چه میگویید؟

کاظم نیکخواه

یک سوال در مورد پرچم داشتیم. پرچم جمهوری اسلامی برای همه روشن است که باید با خود این رژیم سرنگون شود. اما پرچم شیروخورشید که پرچم ایران است را شما چرا قبول ندارید؟ سالهایی طولانی آن پرچم ایران بوده است. بالاخره یک مملکت باید پرچم داشته باشد یا نه؟ آیا در جامعه‌ای که ما می‌خواهیم داشته باشیم کشور ما پرچمی نخواهد داشت؟

دوست عزیز! پرچم نشانه و علامت قراردادی برای یک کشور است. روشن است که مساله اساسی تر در یک کشور زندگی و مسائل و مصائب واقعی مردم است که بر هر پرچم و نشانه ای مقدم و بسیار مهمتر است. اما برای برخی جریانات درست برعکس است یعنی پرچم بر زندگی مردم عملاً مقدم داشته میشود. جریانات راست و ناسیونالیست و سلطنت طلب مدام دارند در توصیف پرچم سخن سرایی میکنند و تبلیغات راه می اندازند و پرچم شیروخورشید نشان را تقدیس میکنند. هیچ فکر کرده اید دلیل این همه جنجال بر سر پرچم آینده ایران چیست؟ اگر کمی دقت کنید متوجه میشوید که اینها با جنجال بر سر پرچم دارند یک کمبود اساسی خود را لاپوشانی میکنند. اینها اصلاً پاسخی به مسائل و مصائب واقعی مردم مثل زندگی زیر خط فقر، بیکاری، بیماری، تبعیضات ملی و جنسیتی، سرکوب، تحمیلات اسلامی و امثال اینها ندارند و مشغله اصلی شان این فشارها و مصائب مردم نیست. نظامی که از آن دفاع کرده اند و دفاع میکنند با سرمایه داری چپاولگر و سرکوبگر کنونی در ایران

تفاوت اساسی ندارد. در نتیجه تلاش میکنند با جنجال بر سر پرچم ملی و امثال این نوع تقدسات ناسیونالیستی که در واقع پرچم همین سرمایه داری چپاولگر است، خود را طرفدار مردم جا بزنند و خط و سیاست راست و سرمایه دارانه خود را به میان مردم ببرند. میگویید "پرچم شیروخورشید پرچم ایران است". این ادعا از کجا آمده است؟ اگر سابقه این جمله را در ذهنتان جستجو کنید قطعا به همان تبلیغات سلطنت طلبان و ناسیونالیستهای ایرانی میرسید که با حرارت و تعصب تبلیغ میکنند که "پرچم ملی ایران" پرچم شیروخورشید است. این یک حرف پوچ است. پرچم ایران از سی و چند سال پیش تاکنون متأسفانه همان پرچم سه رنگ با علامت نحس الله است که در سازمان ملل بالا میبرند. این پرچم را همانطور که میگویید باید با خود حکومت به زیر کشید. اما ایران امروز پرچم دیگری ندارد. پرچم شیروخورشید هم بطور واقعی پرچم دوران دیکتاتوری پهلوی است که با انقلاب مردم در سال ۵۷ به زیر کشیده شد. این پرچمی است که آخرین طول و عرض و شکل و شمایلش بنا به شواهد در دوره پهلوی دوم تعیین شده است. بعضی ها هم البته سعی میکنند تاریخ آنرا عقب تر ببرند و آنرا به دوره قاجار یا به انقلاب مشروطه برسانند. که اینها مطلقاً هیچ اهمیتی ندارد و تغییری در اصل مساله نمیدهد. فوقش به اینجا میرسیم که پرچم شیروخورشید پرچم دوران پهلوی و اواخر دوران قاجار است. یعنی از تاریخ بقول اینها دو هزار و چند صد ساله ایران یک فاصله کوتاه حدوداً ۶۰ ساله اش در

ایران پرچمی به شکل سه رنگ و بعداً با شیروخورشید رسمیت داشته است. در بقیه دورانها هر شاه و امیری برای خودش پرچمی بلند کرده است. تازه اگر هم همه شاهان یک پرچم کاملاً یک رنگ و طرح داشتند باز هم باید آنرا دور می انداختیم. چرا باید این پرچم برای من و شما مقدس باشد یا آنرا بایگانی کنیم تا بعد از سرنگونی حکومت اسلامی دوباره بالا ببریم؟ مردم حتماً وقتی که انقلاب کردند و حکومت را سرنگون کردند و اوضاع را در اختیار گرفتند برای چگونگی اداره جامعه و اقتصاد و قوانین و خیلی چیزهای دیگر باید فکر کنند و یکی از آنها هم رنگ و طرح پرچم یا علامت جامعه و کشور جدیدشان است. آیا اصولی تر و منطقی تر این نیست که همانگونه که ما میگوییم از امروز برای پرچم جامعه آینده کسی تصمیم گیری نکنند؟ برای سلطنت طلبی که به شاه و ولیعهد و تمامیت ارضی مدام سوگند میخورد و رگ گردنش بیرون میزند، پرچم شیروخورشید مقدس است. چون یک دوره با آن حکومت کرده اند و چاپیده اند. اما چرا من و شما باید به این پرچم دوران شاهان وفادار و پایبند باشیم؟ این پرچم بجز شاه و سرکوب و ساواک و توطئه گری مگر چه چیز را در حافظه تاریخی ایران ثبت کرده است که کارگر و زحمتکش و معلم و دانشجوی این کشور لازم باشد آنرا پاس بدارد؟ مشغله ما مردم خواستهای آزادیخواهانه و رفاه طلبانه ای است که با جنجال بر سر پرچم و میهن و خاک میخوانند ما را از آنها دور کنند.



دیگر نمی پذیریم!

۸ مارس روز جهانی زن

نه
به تحقیر
به تبعیض
به بردگی
جنسی!

دیگر نمی پذیریم!

۸ مارس روز اعلام رهایی قطعی زنان از تبعیض و بردگی جنس‌انواده، در آشپزخانه، در سی است. زن و مرد با هم برابرند! در خانه، در جامعه، در حقوق، در پوشش، در سفر، در نگهداری از کودکان، در سکس، و در همه جای جهان! دیگر نمی پذیریم که افکار و سنتهای پوسیده و منفور تاریخ قبایل را بعنوان قانون و حقوق و شئون امروز به ما تحمیل کنند. ما می‌شوریم! ما انقلاب می‌کنیم! ما خرافه و جهل و سنتهای مذهبی ضد زن را تماماً به زباله دان میریزیم! آن نیروها و مغزهای کپک زده ای که نمیتوانند زن را چون انسان ببینند باید فکری بحال خود بکنند. ما زنان، ما انسانهای آزاده، ما مردم دیگر یک ذره تبعیض و تحقیر را نمی پذیریم! جامعه ای برابر و انسانی حق ماست و آنرا با دستهای خویش برپا می‌داریم!

زنده باد ۸ مارس روز جهانی!

هاتبرد ۸



فرکانس	ترانسپوندر
۱۱۲۰۰	۵/۶
بولاریزاسیون	سیمبل ریت
عمودی	۲۷۵۰۰



حمله به پناهندگان و حق پناهندگی را متوقف کنید!

جمعه ۳۰ ژانویه (۹ بهمن) عده ای راسیست نقاب پوش در ایستگاه اصلی قطار شهر استکهلم پناهندگان و مهاجرین را مورد حمله قرار دادند و به ضرب و شتم آنها پرداختند. روز بعد از این واقعه راسیستها با شعارهای خارجی ستیزانه در استکهلم دست به تظاهرات زدند و همزمان نیروهای ضد راسیسم با تعداد بیشتری به تظاهرات در مقابل آنها پرداختند. چندی پیش وزیر کشور سوئد اعلام کرد که دولت این کشور قصد دارد حداکثر ۸۰ هزار پناهجو را که تقاضانامه های آنها رد شده است طی سال جاری از کشور اخراج کند. پیرو همین تصمیم کمک های دولتی به پناهجویان اخراجی از اول ماه ژوئن قطع خواهد شد. اینها همه در حالی است که طی ماههای اخیر دولت سوئد با اتخاذ یک رشته اقدامات و منجمله کنترل مرزها و مدارک شناسایی، سیاستهای سختگیرانه ای را علیه پناهندگان پیش گرفته است. به نظر ما میان خشونت خیابانی علیه پناهندگان و مهاجرین و اقدامات و سیاستهایی که دولت

سفر به اروپا جان خود را دست دادند که يك سوم آن، کودکان بودند. برای کمتر شدن تلفات پناهجویان در راه رسیدن به اروپا ما خواستار آنیم که امکانی فراهم شود که پناهجویان از راههای قانونی به اروپا بیایند. ما همه شهروندان را فرامی خوانیم که در محیط کار و زندگی خود علیه رشد راسیسم و خارجی ستیزی به مقابله برخیزند و با روحیه همبستگی انسانی پناهجویان و مهاجرین را مورد حمایت خود قرار دهند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد

۳۱ ژانویه ۲۰۱۶، ۱۱ بهمن ۱۳۹۴

شرایط زندگی و کار مناسبی را برای این انسانهای زجر دیده فراهم آورد. ما تحولات مربوط به پناهندگی در سوئد و همچنین در سایر کشورهای اروپایی را که با اتخاذ قوانین و تصمیمات سختگیرانه علیه متقاضیان پناهندگی همراه است به ضرر حق انسانی پناهندگی ارزیابی می کنیم. تحولی منفی که با غلیان انسانی مردم اروپا در پاییز گذشته در حمایت از پناهجویان ضدیت آشکار دارد. ما می خواهیم که از خدشه دار شدن حق پناهندگی جلوگیری کنیم و اعتراضمان را علیه هر سیاست و تصمیمی که این حق را پایمال کند اعلام می داریم.

سال گذشته ۳۷۰۰ نفر در مسیر

ما می گوئیم پناهجویانی که به هزار و یک مشکل خود را به کشور سوئد رسانده اند باید حق پناهندگی دائم آنها پذیرفته شود و بتوانند در یک فضای امن به زندگی خود ادامه دهند. هر گونه رفتار تبعیض آمیز و غیر انسانی و هر گونه خشونت و تبلیغات نفرت انگیز علیه پناهندگان و مهاجرین باید متوقف شود.

ما معتقدیم که ۱۶۳ هزار انسانی که بدلیل جنگ و ناامنی طی سال گذشته به سوئد پناهنده شده اند می توانند پیرو یک سیاست درست و انسانی در همه کمونهای سوئد اسکان داده شوند و جامعه این امکانات را دارد که با کمک و همیاری انسدادوستانه همه شهروندان

هفت روز تجمع کارگران معدن زمستان یورت و خانواده هایشان، کارفرما و ادارات دولتی را به تسلیم کشاند

تجمعات کارگران مراکز تولیدی هر روز گسترده تر میشود و زمینه برای اعتراضات همزمان مراکز کارگری و اعتصابات بزرگ و منطقه ای و سراسری بیش از پیش فراهم شده است. کارگران باید خود را برای اقدامات سراسری و رویارویی های بزرگتر با دولت و کارفرمایان آماده کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ بهمن ۱۳۹۴، ۳ فوریه ۲۰۱۶

کارفرماهای مفتخور امکان میدهند که همان حقوق چندبار زیر خط فقری که توسط شوراییعالی کارشان تصویب شده است نیز ماهها پرداخت نشود و کارگران مجبور شوند ذره ذره آنرا با چنگ و دندان از حلقوم آنها بیرون بکشند. کارگران خواست های سراسری دارند و برای عقب راندن دولت و کارفرمایان باید دست به راه حل های سراسری بزنند. دستمزدهای ناچیز، دستمزدهای عقب مانده، اخراج های هر روزه و دهها اجحاف دیگر، مسائل مشترک میلیون ها کارگر است. حضور خانواده ها در

هایشان تجربه مثبتی برای آنها بود. علیرغم تلاشی که برای ایجاد تفرقه در میان کارگران و دلسرد کردن آنها صورت گرفت اما کارگران عزمشان را جزم کردند که تا زمانی که مقامات و کارفرما در مقابلشان زانو نزنند کوتاه نیایند. این تجربه پشتوانه اعتصابات و تجمعات قدرتمندتر کارگران خواهد بود تا بقیه حقوق خود را نیز از حلقوم آنها بیرون بکشند و برای خواست های دیگر خود را آماده کنند. این دولت و ارگان های مختلف دولتی هستند که دست در دست

گلستان را وادار کردند تا مشکل کمبود نقدینگی کارفرما، که بهانه بالا کشیدن دستمزد کارگران بود، تامین شود و کارفرما یک ماه از حقوق کارگران را پرداخت کند و قول بدهد که باقیمانده طلب کارگران را از تسهیلات نقدی که در اختیارش گذاشته میشود، تا ۲۰ اسفند پرداخت کند.

کارگران به اعتصاب و تجمع پایان دادند اما به تجربه دریافته اند که کارفرما و فرمانداری و استانداری زیر قول خود خواهند زد. اما هفت روز تجمع کارگران و خانواده

کارگران معدن زغال سنگ زمستان یورت و خانواده هایشان هفت روز متوالی دست به تجمع در مقابل فرمانداری آزاد شهر در استان گلستان زدند تا کارفرما و مقامات را وادار کنند گوشه ای از طلب آنها را پرداخت کنند.

یازده ماه چندرغاز حقوق کارگران توسط کارفرما بالا کشیده شده و ادارات دولتی به نفع کارفرما چشم فرو بستند و به این شیوه از کارفرما حمایت کردند. کارگران فرمانداری را نشانه گرفتند و در مقابلش تجمع کردند و فرمانداری و استانداری

فرار میلیونی از توحش...

از صفحه ۴

هستند. آنان در نهان خیلی خوب میدانند که این اتفاق هیچوقت نمیافتد زیرا که این امر دردم راه را برای یک شورش پوپولیستی باز خواهد کرد. آدمها نقش 'روح زیبا' بی را بازی میکنند که خود را والا تر از این جهان فاسد تلقی میکنند درحالیکه خود پنهانی در آن سهم است. "در این موارد چه می گویند؟

حمید تقوایی: این نگرانی مردم از تفاوت های فرهنگی و در هم ریختن نرم زندگی اروپایی خود یکی از عوارض تبلیغات مبتنی بر نسیت فرهنگی و شقه شقه کردن انسانها و جوامع به مذاهب و اقوام و نژادهای متفاوت است. همه ساکنین ارض خواهان زندگی بر مبنای نرمهای انسانی هستند. همه از تبعیض و نابرابری و فقر و بی حقوقی متنفرند و همه نان و آزادی و کرامت انسانی میخواهند. روشن است که مردم جوامع مختلف زبان و هنر و فرهنگ و آداب و رسوم متفاوتی دارند اما در هر فرهنگ و زبان و آدابی تبعیض جنسی و نابرابریهای اجتماعی و بی حقوقی شهروندان و خرافات و تعصبات مذهبی و قومی و دخالت مذهب در دولت و در قوانین و اخلاقیات و زندگی اجتماعی و خصوصی افراد منفی و ناپسند و مردود است. فرهنگ و نرمهای زندگی نه به اروپایی غیر اروپایی بلکه به انسانی و ضد انسانی تقسیم میشوند. مدنیت و آزادی و سکولاریسم و مدرنیسم نرمهای غربی و اروپایی نیست، جهانی و سراسری و خواست و آرمان همه ساکنین کره ارض است.

دولتها و نیروهای بورژوازی این واقعیت پایه ای را انکار میکنند! نگرانی از بهم ریختن نرمهای زندگی غربی که به مردم اروپا نسبت میدهند قبل از هر چیز ناشی از ناتوانی بورژوازی عصر ما در تامین حداقل شرایط یک زندگی انسانی برای توده مردم است. اساس مساله اینست که بورژوازی برای بقای سیاسی خودش بقای قیزبکی

میلیونها انسان را به خطر انداخته است. امروز در برخورد به مساله پناهندگی راسیستها خواهان تصفیه اروپا از فرهنگهای دیگر هستند و لیبرالها خواهان تحمل فرهنگهای دیگر! در حالیکه به نظر من آنچه باید از غرب تصفیه شود نه "بیگانگان" و فرهنگهای متفاوتشان بلکه دگرترین و گفتمان ایست که ارزشهای یکسان و جهانشمول انسانی را انکار میکنند

و جامعه مدنی و مبتنی بر حقوق مساوی همه شهروندان را به ملقمه ای از جمعهای متفاوت مذهبی - فرهنگی- نژادی- ملی تقلیل میدهد. اگر دولتها و رسانه ها و هنر و فرهنگ غربی از مدنیت و سکولاریسم در اروپا و خاورمیانه و همه جای دنیا حمایت میکرد نه اسلامیسیم و توحش اسلامی امکان بروز و افسار گسیختگی می یافت، نه امروز با "بحران پناهنگی" مواجه بودیم، و نه میتوانستند با این استدلال که "بالاخره پذیرش پناهنده و مهاجر حدی دارد" دور کشورها دیوار بکشند! باید پرسید چرا پذیرش چند میلیون مهاجر به اروپای ۷۳۰ میلیونی مساله ایجاد میکنند؟! اگر با آنها بعنوان انسانهای متساوی الحقوق و برابر با دیگران برخورد کنید، و در گتوهای خودشان و فرهنگ و مذهب و قومیت و ملیت خودشان محبوس شان نکنید، کدام نرم و فرهنگ زندگی اروپایی را به هم میریزند؟! مهاجرین هم مانند سایر شهروندان کار میکنند - و معمولا سخت ترین کارها را هم انجام میدهند، مالیات میپردازند و بر ثروت جوامع اروپا که بخش

اعظمش به جیب یک درصدیهای مفتخور سرازیر میشود، می افزایند. مهاجر نه بر سر سفره کسی نشسته است و نه موجد مسائل اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی است که معمولا به مهاجرین و بیگانگان نسبت میدهند. نه بحران سرمایه داری و بیکاری ناشی از آن تقصیر مهاجرین است و نه رشد مذهب و برقع و حجاب و مدرسه سازی و مسجد سازی برای اسلامپو در کشورهای اروپایی. این مسائل ناشی از مهاجرت و پناهندگی نیستند بلکه هم عرض و هم ریشه با آنند. همان شرایط سیاسی اقتصادی نظم نوینی که به اسلامیسیم پرو بال داده است و همان شرایطی که ریاضت کشی و

بیحقوقی و بی تامین اقتصادی را برای توده های مردم درغرب و در شرق به ارمان آورده است مسئول بی خانمانی و آوارگی توده های مردم مهاجر نیز هست. بخشی از دنیا را در آتش جنگهای هژمونی طلبانه شان سوزانده اند و میلیونها مردم را بی خانمان و آواره کرده اند و دور کشورهای خودشان را دیوار کشیده اند که "پذیرش ما حدی دارد"! باید گفت تحمل توده مردم آواره حدی دارد! باید بورژوازی غرب را مجبور کرد که مرزها را بروی قربانیان دنیای بهم ریخته ای که خودش موجد آن بوده است باز کند.

ظاهرا این خواست انسانی باز کردن مرزها از نظر ژئوک تخیلی و غیر واقعی است. من نمیدانم منظور ژئوک از کسانی که در جهان فاسد شریک هستند چه کسانی است اما این را میدانم که توده مردمی که با آغوش باز به استقبال پناهندگان رفتند و نیروهای کمونیست و مترقی که از پناهندگان دفاع میکنند و در مقابل راسیستها ایستاده اند نقش و سهمی در جهان فاسد ندارند! ما بهرهمه این نیروها از سیاست درهای

باز دفاع میکنیم نه به این خاطر که فوراً اجرای این سیاست ممکن است بلکه به این دلیل که حول این خواست و چشم انداز به یک جنبش وسیع و فعال دامن بزنیم. نمیتوان هم با شرایط و ملزومات و داده های دنیای فاسد موجود مخالف بود و هم تغییر آنها را غیر عملی و غیر ممکن دانست. مرزها را فوراً و همین امروز باز نخواهند کرد اما جنبش باز کردن مرزها را میتوان و باید از همین امروز شروع کرد. هم اکنون جنبش هیچ کس غیر قانونی نیست در آمریکای شمالی و یک قانون برای همه در انگلیس حول همین خواست شکل گرفته اند. باید از این جنبشها حمایت کرد و حرکت های تعرضی بیشتری را در

"بخشی از دنیا را در آتش جنگهای هژمونی طلبانه شان سوزانده اند و میلیونها مردم را بی خانمان و آواره کرده اند و دور کشورهای خودشان را دیوار کشیده اند که "پذیرش ما حدی دارد"! باید گفت تحمل توده مردم آواره حدی دارد! باید بورژوازی غرب را مجبور کرد که مرزها را بروی قربانیان دنیای بهم ریخته ای که خودش موجد آن بوده است باز کند."

همین جهت سازمان داد.

حسن صالحی: بخشی از این پناهندگان مردم گریخته از جهنم جمهوری اسلامی هستند که با توجه با بهبود نسبی روابط غرب با جمهوری اسلامی در موقعیت خوبی قرار ندارند. همین امروز تعداد نسبتاً زیادی از این پناهندگان در ترکیه به دست فراموشی سپرده شده اند؟ برای این دسته از پناهندگان شما برنامه ای دارید؟

حمید تقوایی: برجام و رفع تحریمها هیچ بهبودی در شرایط زندگی مردم ایجاد نکرده است و چشم انداز چنین بهبودی نیز وجود ندارد. از نظر اقتصادی گرانی و بیکاری و بی تامین اقتصادی همچنان در جامعه بیداد میکند و حتی خود وزرای دولت روحانی و کارشناسان حکومتی اعتراف میکنند که قرار نیست رفع تحریمها تغییری در این وضعیت ایجاد کند. حتی صحبت از بدتر شدن شرایط و تشدید بحران و فلج اقتصادی در میان است. خودشان اعتراف میکنند که بحران اقتصادی جمهوری اسلامی علل و

ریشه های عمیق تری از تحریم اقتصادی دارد و رفع تحریمها تنها میتواند وضعیت را به دوره قبل از تحریمها - و حتی بدتر از آن چون در دوران تحریم اقتصاد جمهوری اسلامی بیش از پیش در هم شکسته شده است- باز گرداند. رفع تحریمها بویژه در رابطه با کارگران بجز سفت تر کردن بیشتر کمربندها و تحمیل شدید تر و همه جانبه تر سیاستهای ریاضتکشی و در سطح سیاسی تشدید تعقیب و بازداشت فعالین کارگری و مقابله با نهادهای مستقل کارگران نتیجه دیگری نخواهد داشت.

از نظر سیاسی و اجتماعی نیز وضع بدتر خواهد شد. برجام و گفتمان نزدیکی با غرب نه تنها از تعداد اعدامها و بازداشتها و سرکوبگریها و محدود و ممنوع کردن رسانه ها و مدیای اجتماعی نکاسته است بلکه بر عکس آنرا تشدید کرده است. جمهوری اسلامی به شدت نگران آنست که هر درجه نزدیکی به غرب و حتی گفتمان "عادی سازی روابط با غرب" توقعات و انتظارات جامعه را بالا ببرد و از سوی مردم به برخورداری از شرایط و آزادیها و سبک زندگی آردانه تر و امروزی تر ترجمه بشود. از همین روست که خامنه ای از همان مقطع توافق لوزان مدام بر آمریکا ستیزی و تقابل با "جهنم فرهنگی غرب" کوبیده است و در مورد "نفوذ دشمن" در جامعه و در مطبوعات و حتی در مجلس خبرگان هشدار داده است.

مجموعه این شرایط به معنای اینست که ما همچنان با پدیده فرار از جهنم جمهوری اسلامی روبرو خواهیم بود. ما همیشه گفته ایم که مهاجرت از شرایط غیر قابل تحمل زندگی در جمهوری اسلامی حق هر انسانی است که نمیشود به این شرایط تن بدهد و بویژه امروز در دوره بعد از رفع تحریمها باید بیش از پیش بر این اصل پافشاری کرد و اعتبار و حقانیت آنرا به همگان نشان داد.

امروز با رفع تحریمها و از سر گرفته شدن معاملات و روابط اقتصادی غرب با جمهوری اسلامی این حق فرار از جامعه اسلامزده

دولت روحانی و داستان تعیین میزان حداقل دستمزدها

شهلا دانشفر

سیاست دولت روحانی در قبال میزان حداقل دستمزد کارگران و کارکنان جامعه بخش مهمی از همان سیاست او در دوره پسا برجام است. سیاست ایجاد مشوقه برای صاحبان سرمایه برای سرمایه گذاری بیشتر و تشدید ریاضت اقتصادی و تحمیل هزینه آن بر گرده جامعه است. بخصوص بعد از توافق هسته ای مساله ریاضت اقتصادی جایگاه استراتژیک تری برای جمهوری اسلامی پیدا کرده است. به خاطر اینکه اینها هدفشان جذب سرمایه های داخلی و خارجی است. معنی عملی آن نیز پایین آوردن هزینه نیروی کار برای کارفرمایان و مزد کمتر برای کارگران است. معنی آن کار ارزان و کارگر خاموش است. معنی آن بیکار سازی های گسترده تر و کشیدن کار بیشتر از گرده کارگران است. و بالاخره اینکه معنی آن محرومیت هر چه بیشتر کارگران از هر حق و حقوقی و به تباهی کشیده شدن زندگی و معیشتشان است. اما کارگران به این بردگی تن نمیدهند. گسترش هر روزه اعتراضات کارگری این رابه روشنی نشان میدهد و جدالی گسترده تر از هر سال بر سر دستمزد و بر سر معیشت در راه است.

بحث های داغ بر سر میزان حداقل دستمزدها

هر روز گزارش جدیدی از خط فقر در ایران انتشار می یابد و جالب است که گفتمان حکومتی ها تماما بر سر خط فقر است. کسی صحبت از رفاه و یک زندگی انسانی نمیکند، مبدا کارگر زیاده خواه شود. اما صحبت کردن بر سر خط فقر نیز برای جمهوری اسلامی هزینه دارد و حتی جرات حرف زدن از نرخ واقعی آنرا هم ندارند. دلیلش نیز به روشنی جامعه ایست که خواستهایی دارد و با صدای بلند اعلام کرده است که دیگر حاضر

نیست زیر خط فقر زندگی کند. از اینرو امروز اینکه با چه آمار و رقمی از خط فقر و یا نرخ تورم در مقابل جامعه ظاهر شوند، نیز خود به یکی موضوعات کشاکش درون حکومت تبدیل شده است. چون نگران عواقب اجتماعی اش هستند. در نتیجه هر روز بنا به مصرف سیاسی رقم جدیدی از خط فقر و نرخ تورم و هر چیزی که بتواند تصویری از سطح دستمزدها، بدهد، بیرون میدهند. خصوصا هر وقت بحث بر سر تعیین میزان حداقل دستمزد مطرح می شود بازار بیرون دادن چنین ارقام مهندسی شده داغ میشود. بنابراین آنجا که بحث بر سر میزان دستمزد کارگر است، میزان خط فقر پایین می آید. وزمانیکه جنگ و نزاع درونی شان بالا میگردد خط فقر را بالاتر حساب میکنند تا رقیب را بکوبند. برای نمونه دبیر کل کانون عالی انجمن های صنفی کارگران کشور که خود از نهادهای دست ساز دولتی است، در دی ماه ۹۴ هزینه ماهانه خانوارهای کارگری را بیش از سه میلیون تومان اعلام کرد. احمد میدری یکی از معاونان وزیر کار در دی ماه خط فقر در ایران را برای یک خانوار ۴ نفره یک میلیون و ۲۵۰ خانوار ۵ نفره یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان رقم زد. دولت نیز خط فقر را تا مرز ۲ میلیون تومان خواند. بسیار خوب سوال همه کارگران اینست که اگر خط فقر بالای دو میلیون و سه میلیون است حداقل دستمزد کارگری که تمام ثروتها را تولید میکند چقدر باید باشد؟ جواب بدر بخوری از جانب این مفتخوران شنیده نمیشود.

در همین راستا یکماه پیش نرخ تورم را ۱۳ تا ۱۵ درصد اعلام کردند اما با به راه انداختن تبلیغات بر سر برجام، جنجال به پا شد که نرخ تورم تا دو سال آینده تک رقمی میشود. و حتی بر اساس نتایج گزارش مرکز آمارشان از شاخص

قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری ایران، صحبت از این است که نرخ تورم نقطه به نقطه پس از ۶۵ ماه (پنج سال و پنج ماه) در آذرماه امسال یک بار دیگر تکریمی شد و به ۹۰۹ درصد رسید. بدنبال چنین زمینه چینی هایبست که علی ربیعی وزیر کار دولت روحانی در گفتگو با خبرنگار فارس میگوید: "حداقل دستمزد سال ۹۵، بیش از نرخ تورم خواهد بود و در نشست شورای عالی کار مدافع حقوق کارگران هستیم." چه موهبتی!

در کنار همه این بحثها میکوشند با تبلیغاتی برسر اینکه اگر دستمزدها افزایش یابد تورم نیز شدت می یابد، اگر دستمزدها افزایش یابد، اشتغال کم میشود، جنبش برای خواست افزایش دستمزدها را عقب زنند. همه این بحث ها و تبلیغاتی از این دست مقدمه چینی ایست برای افزایش ندادن سطح دستمزدها. همه این تبلیغات برای اینست که با اضافه کردن ده تا دوازده درصد به میزان حداقل دستمزدها، مدعی شوند که دستمزدها بالاتر از نرخ تورم افزایش یافته است و سر و صدا را با بخوابانند. از جمله در بودجه دولت بحث بر سر افزایش ۱۲ درصدی حقوق ها به خصوص بازنشستگان و کارمندان است. بنابراین داستان تعیین میزان حداقل دستمزدها برای سال آتی نهایتا افزایش صد هزار تومانی بر ۷۲۰ هزار تومان میزان حداقل دستمزد کنونی و تحمیل بازهم دستمزد چند بار زیر خط فقر به کارگران و بخش عظیمی از حقوق بگیران جامعه است.

و بالاخره اینکه معنی آن محرومیت هر چه بیشتر کارگران از هر حق و حقوقی و نبود یک حداقل تامین اجتماعی است. و تا آنجا که به مساله تعیین میزان حداقل دستمزدها مربوط است، به جای افزایش دستمزدها، جنجال به پا

کرده و با بازی ارقام و ادعای کاهش نرخ تورم میکوشند، برای خود وقت بخرند و اعتراضات کارگران و مردم به جان آمده را عقب بزنند. نتیجه آن فقر بیشتر و تحمیل شرایط دشوار تر به کارگران است. کارگران به این بردگی تن نمیدهند و جدالی گسترده تر از هر سال بر سر دستمزد و بر سر معیشت در راه است.

تا مادامیکه نظام مزدبگیری وجود دارد و خرید و فروش نیروی کار انسانها برقرار است، جنگ بر سر دستمزد هم وجود دارد. مزد کارگر باید زندگی او را تامین کند. ما خواهان یک زندگی انسانی هستیم. نه یک زندگی فقیرانه و بی تامین و پر از حسرت و محرومیت. کارگران باید از طریق قراردادهای دسته جمعی و نمایندگان منتخب مجامع عمومی شان خود طرف معامله بر سر نرخ نیروی کارشان باشند. و دستمزد کارگر باید

اتومات و متناسب با رشد تورم و افزایش قیمتها افزایش یابد. البته نه نرخ تورم مهندسی شده ای که دولت تعیین میکند، بلکه نرخ تورم متناسب با نرخ واقعی قیمت ها که کارگران از طریق نمایندگان منتخبشان بر تعیین آن نظارت داشته باشند. همچنین ما میگوییم کارگر همچون دیگر شهروندان جامعه و همچون هر کارمند عالیرتبه دولتی و نمایندگان مجلس باید در ازای کاری که انجام میدهد از همان حقوق و مزایایی برخوردار باشد که استاندارد جامعه است. ما میگوییم باید مزد کارگر متناسب با رشد بارآوری کار در جامعه افزایش یابد و کارگر از یک زندگی درخور و شایسته بشر متدین امروز برخوردار باشد. اینها همه شاخص های ما برای تعیین میزان حداقل دستمزدهاست.

فرار میلیونی از توحش...

از صفحه ۱۱

پناهندگان مانند فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی میتوانند و باید نقش مهمی در این شرایط ایفا کنند. موقعیت و سرنوشت پناهندگان و مهاجرین ایرانی از مهاجرین از کشورهای دیگر جدا نیست. فدراسیون همراه و همدوش سایر نهادهای دفاع از حقوق پناهندگان، میتواند نقش فعالی در مقابله با سیاستهای ضد پناهندگی دولتها و نیروهای راست و راسیستی داشته باشد و توده مردم را به دفاع از حق زندگی نه تنها پناهندگان ایرانی بلکه موج میلیونی آوارگان و فراریان از شرایط تحمل ناپذیر در کشورهای جنگ و فقر و اسلامزده فرا بخواند*

ایران بیش از گذشته بزرگ سوال رفته است اما نباید در برابر این شرایط عقب نشست. این وضعیت تنها به معنی تلاش و مبارزه بیشتر در دفاع از حقوق پناهندجویان ایرانی است. همانطور که اشاره کردم برجام و گفتمان نزدیکی با غرب نه از تعداد اعدامها و بازداشتها و سرکوبگریها کاسته است و نه در گرانی و فقر و بیکاری و بی تامینی اقتصادی تغییری داده است. میتوان و باید افکار عمومی غرب و مردم دنیا را از این واقعیات آگاه کرد و تبلیغات دولتها و رسانه هائی که برجام را نشانه بهبود شرایط در ایران میدانند افشا و خنثی نمود. نهادهای دفاع از حقوق

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: شهلا دانشفر

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود